

## اسناد سازمان سیا (CIA): کودتای ۲۸ مرداد ۳۲

(۱۳)

اخیراً دو جلد کتاب با عنوان **اسناد سخن می گویند** مشتمل بر ۵۰۸ سند رسمی بکلی سری و سری در رابطه با دوران اوج گیری **نهضت ملی ایران** و مسائل پشت پرده سیاست انگلیس و امریکا برای سرنگون کردن حکومت ملی دکتر محمد مصدق انتشار یافته است. مشخصات دیگر این دو جلد کتاب بسیار ارزشمند به شرح زیر است:

پژوهش و برگردان: دکتر احمدعلی رجائی - مهین سروری (رجائی)  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۳  
چاپ: پژمان  
شمارگان: ۱۵۰۰  
ناشر: شرکت انتشارات قلم

نویسنده، این اسناد را از شماره ۱ آغاز و با شماره ۵۰۸ به پایان رسانیده است. سند شماره ۱۳۵ به عنوان نمونه در زیر درج شده، ولی در این بخش (اسناد کودتای ۲۸ مرداد) از این پس به درج اسناد دیگری از این اثر ارزشمند خواهیم پرداخت و به گوشه هائی از مقدمه و ضمائم نوشته شده در این دو جلد کتاب نیز اشاره خواهیم کرد. مطالعه دقیق این اثر ارزشمند را به عموم هم میهنان، به ویژه فعالان سیاسی/مبارزاتی که برای نجات ایران تلاش می کنند توصیه می کنیم.

### سند شماره ۱۳۵

تلگراف ۲۸۵۱-۱۱/۱۰-۸۸۸

از سوی هندرسن سفیر در ایران به وزارت امور خارجه<sup>۱</sup>

سری، فوری

تهران، ۲۸ نوامبر ۱۹۵۱، ۷ بعد از ظهر

۱. ۱۹۸۵. طی گفت و گویی که دیروز با وزیر امور خارجه داشتم گفتم مایلم نسبت به مصدق، در زمانی که برای ایشان راحت باشد، ابراز احترام نمایم. همان دیروز کمی دیرتر، وزیر امور خارجه برای امروز صبح وقت ملاقات تعیین نمود. مصدق با رویه دوستانه ای مرا پذیرفت و گفت و گوی ما تقریباً دو ساعت به طول انجامید.

۲. مصدق اظهار داشت به عقیده وی مأموران دولت امریکا هنگامی که وی در ایالات متحده بود آنچه توانستند، برای فراهم آوردن موجبات حصول توافق انجام داده بودند. اما به نظر رسید که بهرحال انگلستان با بی تفاوتی خود را کنار نگه می داشت. برداشت وی این بود که بریتانیا ترجیح می داد اگر بشود به توافقی دست یافت نبایستی از طریق وساطت ایالات متحده و با شخص او باشد. با توجه به رویه و نگرش کنونی که انگلیس داشت وی بدین نتیجه می رسید که اصولاً هیچ گونه توافقی میان ایران و انگلیس در باره نفت ممکن نمی باشد. در این فاصله، در حالی که وضع مالی ایران رو به تحلیل می رود، دولت نمی تواند به طور نامحدود با نداشتن دسترسی به یک منبع درآمد به حمایت و تأمین حقوق هفتاد هزار نفر کارگران بیکار در مناطق نفتی ادامه دهد. وی از من نظرم را در باره اینکه به مصلحت می باشد تا قانون ملی کردن نفت را به منظور تحصیل مجوز برای دولت ایران جهت فروش نفت به هر کشور علاقه مند به خرید نفت، به غیر از مشتریان پیشین خود، تصحیح نماید سؤال نمود. وی دلیلی بر این باور داشت که ایران می توانست مقادیر نسبتاً زیاد نفت به کشورهای نظیر چکسلواکی، چین و آرژانتین فوراً بفروشد، آیا نمی بایستی با توجه به ضرورت نیاز مبرم به پول به این کار مبادرت نماید؟ من گفتم اگر ایران فرصتی برای فروش نفت به کشورهای دیگر غیر از مشتریان پیشین داشته و مایل به انجام معامله باشد، فکر نمی کنم مناسب باشد من ایراداتی طرح نمایم. مع الوصف فکر کردم با بی طرفی خاطر نشان نمایم چنانچه ایران به چین کمونیست در زمانی نفت بفروشد که آن کشور در حال انجام عملیات خصمانه ای علیه سازمان ملل متحد می باشد، ایران احتمالاً فوراً احساس همدردی و حمایت مردم امریکا و اکثر مردم جهان آزاد را از دست می دهد. به علاوه گرچه ممکن بود به کشورهای نظیر چکوسلواکی برای مدت کوتاهی نفت فروخت، لکن احتمال اینکه آن کشورها مشتریان قابل

اطمینانی باشند وجود ندارد، زیرا به طور طبیعی روابط و مبادلات بازرگانی مهمی نمی‌تواند میان آنان و ایران ایجاد شود. به عنوان مثال این کشورها در درازمدت در عوض نفت چه می‌توانند به ایران بدهند؟

برای ایران منطقی‌تر آن است که سعی نماید به جای ایجاد روابط غیرمعمول و تازه بازرگانی مشتریان پیشین خود را که با آنها ارتباط بازرگانی طبیعی داشت حفظ نماید. مصدق اظهار داشت لاقابل در حال حاضر فکر چنان پیشنهادی برای اصلاح قانون کنار را می‌گذارد.

۳. من در باره اینکه آیا طی گفت‌وگوهای گوناگون در ایالات متحده، طرح‌هایی به وی پیشنهاد شده بود که به نظر او ممکن بود راهی را برای حل مسئله نفت پیدا شود، از او سؤال نمودم. مصدق پاسخ داد تنها پیشنهادی که به نظر وی امید کمی را به وجود می‌آورد طرح بانک بین‌المللی برای دادن وام و به دست گرفتن اداره عملیات نفتی بود. او اظهار کرد در ضمن گفت‌وگو با بانک بین‌المللی، از نظر وی تنها مسئله حل نشده، بهای پرداختی برای نفت بود. وی به طور کلی تحت تأثیر پیشنهادهایی قرار گرفت که از سوی نمایندگان بانک عرضه شده بود ولی متوجه شد آنان هیچ اطمینانی نداشتند که مشتریان سابق مایل به پرداخت چنان قیمتی برای نفت باشند که علاوه بر تأمین هزینه بانک، سهمی را که انتظار آن را داشت به این کشور پرداخت نماید. وی فکر کرده بود بانک بین‌المللی موضوع را بعداً با انگلیسی‌ها مذاکره می‌نماید و دوباره با وی تماس می‌گیرد. ولی با این وصف هیچ اطلاع دیگری از بانک به وی نرسیده بود و هنوز هم امیدوار بود که بانک می‌توانست ترتیبی را که مورد قبول ایران و انگلیس هر دو باشد بیاید. وی در این زمان دیگر امیدی در حصول به توافق نداشت. طی گفت‌وگوهایمان اظهار کرد ممکن است با طرحی که نفت توسط بانک بین‌المللی به مشتریان پیشین به بهای خلیج فارس بفروشد و X درصد درآمد به وسیله شرکت برای پرداخت وام و هزینه خدمات نگه داشته شود و X درصد نیز به وسیله بانک بین‌المللی در صندوق مخصوص برای پرداخت غرامت (تا هنگامی که بالمآل توافقی میان شرکت نفت انگلیس و ایران و دولت ایران حاصل بشود) کنار گذاشته شود موافقت نماید و این احساس و برداشت را در من ایجاد نمود که مایل است بانک بین‌المللی با همکاری شرکت ملی نفت ایران شرکتی را برای استخدام کارشناسان خارجی و ایرانی برای بهره‌برداری از میدانهای نفتی و اداره پالایشگاه تأسیس نمایند. ولی اظهار نمود نمی‌تواند با استخدام هیچ یک از کارشناسان انگلیسی در ایران موافقت نماید. هنگامی که من یادآوری کردم چنین رویه‌ای کمکی در دستیابی به توافق نمی‌کند، اظهار نمود لازم نبود شرط نمایم که هیچ کارشناس انگلیسی استخدام نمی‌شود. مع الوصف این فکر را که اتباع انگلیس مجدداً حتی به شکل فردی و جداگانه وارد اداره عملیات تولید نفت در ایران شوند، دوست نداشت.

**لطفاً به ادامه در صفحه بعد مراجع فرمائید:**

۴. من با مصدق مباحثه نکرده و سعی ننمودم اطلاعات دقیق‌تری از تفکر کنونی وی به دست آورم. فکر کردم به خاطر نداشتن رهنمود، ترجیح دارد در باره هر نوع پیشنهادی که بانک بین‌المللی ممکن است عرضه نموده باشد و یا ممکن است در صدد ارائه آن باشد، گفتگوئی را شروع نکنم. تا آنجایی که من می‌توانم درک کنم بهرحال تنها راه‌حلی که به نظر می‌رسد اکنون بارقه‌ای از امید پدید آورده باشد، در دست بانک بین‌المللی است. من فرض می‌کنم بانک بین‌المللی مشغول مباحثه با انگلیسی‌هاست، و از دادن هر نوع اطلاعی که وزارتخانه آزاد باشد در باره ادامه تمایل بانک بین‌المللی نسبت به موضوع در اختیار من بگذارد، ممنون می‌شوم.

۵. در ضمن گفت‌وگو مصدق به من گفت دولتمردان امریکایی در واشنگتن ضمن بحث در باره امکان دادن کمک‌های بودجه‌ای به ایران، گفته بودند ممکنست کنگره ایالات متحده این نظر را اتخاذ کند که ایران به جای درخواست این نوع کمک از امریکا بایستی سعی نماید ترتیبی با انگلیس بدهد تا نیازهای مالی ضروری آن با استفاده از درآمدهای نفتی برطرف گردد. من گفتم به نظر من آن دولتمرد مورد اشاره وی تنها سعی می‌کرده است صادقانه وی را از رویه احتمالی کنگره آگاه سازد و اضافه نمودم موجب تأسف می‌شود اگر وی چنین برداشت کرده باشد که دادن کمک‌های بودجه‌ای به ایران از طرف ایالات متحده آسان می‌باشد، آن هم در زمانی که مردم امریکا عقیده دارند اگر ایران با انگلیس در باره نفت به توافق برسد به این گونه کمک‌ها نیازی ندارد، اظهار کردم براساس ارزیابی نگرش مطبوعات امریکا، احتمالاً وزارت امور خارجه این کشور در صورتی که تصمیم به دادن کمک‌های بودجه‌ای به ایران در شرایط کنونی بگیرد، با مخالفت قابل ملاحظه‌ای در امریکا روبرو می‌گردد. این یکی از دلایلی بود که بنظر رسید چرا آنقدر مهم است که ایران برای یافتن راهی جهت از سر گرفتن مجدد درآمد نفت به کلیه تلاش‌های ممکن دست بزنند. و اشاره نمودم بنظر من امیدی به برقراری مجدد این درآمدهای نفتی در آینده نزدیک نداشتیم مگر بر اساس طرحی که مورد قبول انگلیسی‌ها باشد. به نظر رسید که با بخش بزرگی از گفت‌وگوهای صریح من موافق باشد.

هندرسن

۱. این گزارش در دو بخش مخابره گردید و رونوشت آن به سفارت امریکا در لندن نیز فرستاده شد.

برای اندیشمندان و پیروان آگاه و سیاسی راه مصدق بس روشن است که وی تا چه حد بر سر مسئله عدم دخالت انگلیس و نیاز ایران به استقلال برای امکان پیشرفت به سوی مدارج ترقی پافشاری می‌کرد، اما برای آنان که به اهمیت اصل استقلال ایران و پافشاری مصدق بر سر نیاز مبرم ایران به حاکمیت ملی بدون دخالت بیگانه توجه ندارند و یا با سوء نیت به آن نگاه می‌کنند باید توجه داد که تمام سیاه‌روزی ملت ایران تنها به خاطر اینگونه دخالت‌های بیگانه بوده است که امروزه به وسیله امریکا و انگلیس و دیگر سیاست‌های تجاوزگر غرب متأسفانه به صورت آشکار و نهان ادامه دارد.

سرنگون باد استبداد شیخ که جانشین استبداد شاه شده  
کوتاه باد دست تجاوزگر سیاستمداران غرب از ایران

محمد حسینی

۲۲ نوامبر ۲۰۰۴ برابر با ۲ آذر ۱۳۸۳